



اساسی جنگ معروف مؤته بر شمرد.

این جنگ که در جماد الاولی سال هشتم هجری اتفاق افتاد، اولین نبردی بود که مسلمین در سرزمینی بیرون از شبه جزیره العرب بدان آغاز کردند.

مطلب از اینجا شروع شد که پس از صلح حدیبیه باقریش در سال ششم هجری، رسول اکرم -صلی الله علیه وآله وسلم- نامه هایی به پادشاهان و امرای جهان نوشت و آنان را به اسلام دعوت فرمود. از آن جمله نامه ای به امیر بصری در شام -توسط حارث بن عمیر ازدی- ارسال فرمود؛ اما ازدی قبل از رسیدن به «بصری» در میان راه به وسیله شرحبیل بن عمرو غسانی، رئیس و امیر مؤته، به شهادت رسید. آنگاه رسول خدا -صلی الله علیه وآله وسلم- سریه ای متشکل از پانزده تن به ریاست عمرو بن کعب غفاری به ذات اطاع -که میان کربک و طفیله قرار دارد- گسیل داشت تا مردم این منطقه را به اسلام فراخواند؛ لکن مردم نه تنها به دعوت آنان پاسخ مثبت ندادند، بلکه همگی آنها را به شهادت رساندند جز یک تن که مجروح شد و با سختی و دشواری توانست خود را به مدینه برساند. قبیله قحطانی که در شمال شبه جزیره العرب بسر می بردند به کاروانهای مسلمین یورش می بردند؛ و علاوه بر این، مردم بیزانس (روم شرقی) - پس از آنکه مسلمین بارها دوماه الجندل را مورد هجوم قرار دادند - دعوت اسلامی و قیام مسلمین را دست کم نگرفتند.

به رسول اکرم -صلی الله علیه وآله وسلم- گزارش می رسید رومیان با همپیمانانشان (یعنی عربهای مستعربه لخم، جذام، بلقین، بهراء، و بلی) تجمع عظیمی به هم رساندند. این گزارش آن حضرت را بر آن داشت تا این تجاوز پیشه گان را گوشمالی داده و قدرت اسلام و مسلمین را به آنان نشان دهد.

پیامبر اکرم -ص- سپاهی متشکل از سه هزار سرباز فراهم آورد و آنها را به سوی سپاه رومی و حلفاء آنها گسیل داشت. گویا آن حضرت دورنمایی از پیکاری را که بعداً روی می داد پیش بینی می کرد و همان گونه که در جنگ مؤته اتفاق افتاده بود توصیه فرمود: نخست زید بن حارثه به عنوان فرمانده سپاه تعیین می شود. اگر او به شهادت رسید باید جعفر بن ابی طالب پرچم فرماندهی را به دست

ساعت سه و نیم بعد از ظهر پنجشنبه ۲۵/۴/۱۳۷۱ عازم دمشق شدیم تا به مقصد رهسپار شویم. برای رسیدن به یمن باید به عمان نیز می رفتیم. حضرت حجة الاسلام والمسلمین آقای واعظ زاده خراسانی چون برای شرکت در سمینار «حقوق در اسلام» - که در عمان منعقد می شد - دعوت شده بودند باید در اردن می ماندند؛ لکن نامبرده علاقه مند بودند که در مدت اقامت در اردن تنها نباشند؛ لذا با تماسی که میان ایشان و کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران در اردن برقرار شد ویزا برای ورود به عمان برای همه افراد هیات فراهم آمد. با مساعی جناب آقای نراقیان، کاردار محترم، محلی برای اقامت هیات در عمان تهیه دیده شد، و چند روزی که در اردن بسر می بردیم دیدارهایی داشتیم که گزارش کوتاهی از آنها به عرض می رسد:

دیدار شهر «مؤته» و زیارت شهدا

برای زیارت شهداء جنگ «مؤته» عازم این محل شدیم که در دوازده کیلومتری شهر «کربک» واقع است.

سابقه شهر «کربک» به عصر رومیان باز می گردد و شمشیر «مشرقی» در عصر بیزانسیا (حکومت روم شرقی) در «مؤته» ساخته می شد.

شهر «مؤته» هم اکنون در حدود یکصد و سی کیلومتری عمان قرار دارد. در همین شهر بود که حاکم آن، شرحبیل بن عمرو غسانی، به قتل فرستاده و نماینده رسول اکرم -صلی الله علیه وآله وسلم- یعنی حارث بن عمیر ازدی دست یازید، و باید این رویداد را یکی از عوامل

کاردار سفارت جمهوری اسلامی ایران در اردن، دعوت به عمل آمد که در دانشگاه یرموک واقع در شهر اربد حضور به هم رسانده و در میهمانی نهار رئیس دانشگاه مذکور شرکت کنیم. و جناب آقای واعظ زاده خراسانی خطابه ای درباره تقریب مذاهب اسلامی ایراد کردند.

اربید یکی از شهرهای مهم اردن است که در حدود هشتاد کیلومتری عمان واقع است. دانشگاه یرموک، که در محوطه بسیار وسیعی از شهر اربد بنا شده، در سال ۱۹۷۶ م تأسیس شده و دانشگاهی بسیار زیبا و شکوهمند است و پذیرای حدود چهارده هزار تن دانشجو در رشته های مختلف علوم انسانی و جز آن می باشد. از تأسیس دانشکده الهیات «کلیه الشریعه» این دانشگاه بیش از دو سال نمی گذرد؛ اما سایر رشته ها، امثال زبان و ادبیات عرب، علوم تربیتی، هنرهای زیبا و سایر رشته ها و همچنین علوم تجربی فارغ التحصیلان و فرهیختگانی به جامعه اردن پیشکش کرده است.

آقای دکتر محافظه، رئیس دانشگاه یرموک، اظهار می داشت: تأسیس این دانشگاه در دوران شدت و بحران فقر اردن و همزمان با پناهنده شدن فلسطینیها که بحران مذکور را فزاینده ترمی ساخت آغاز شده، و هزینه بنای آن از مالیاتهایی که بر کالاها- حتی خواروبار- و همه خدمات مملکتی تعیین شده بود تأمین گشته است.

مجموعاً در سراسر اردن چند دانشگاه وجود دارد که حدود شصت و سه هزار دانشجو در آنها سرگرم تحصیل هستند و جمعیت اردن را پنج تا شش میلیون تخمین می زنند.

دکتر علی محافظه می گفت: اهمیت دانشگاه در میان مردم اردن تا آنجا است که جوانان اردنی احساس می کنند اگر به دانشگاه راه پیدا نکنند و در آن به تحصیل علم نپردازند زندگانی برای آنها غیر ممکن می نماید.

آقای نراقیان می گفت: میان هفتاد تا هفتاد و پنج درصد از خانمهای دانشجو در دانشگاههای اردن با حجاب هستند و حجاب آنها کاملاً شرعی است و گرفتار بد حجایی نیستند.

البته باید این جریان و سایر جریانات مطلوب دیگر را که در این مملکت و سایر ممالک دیگر رونق و رواج می یابد و آثار خود را گسترده تر می سازد و مرزها را از هم می شکافد از برکات انقلاب اسلامی ایران دانست.

پس از نشستی کوتاه و صرف نهار سالی را برای ایراد خطابه حجج الاسلام والمسلمین آقای واعظ زاده خراسانی آماده ساختند. ایشان خطابه ای به زبان عربی درباره تقریب مذاهب اسلامی و

گردد؛ چنانچه او هم به شهادت رسد عبدالله بن رواحه عهده دار این مهم گردد. پس از شهادت عبدالله بن رواحه هر که را خواستند به عنوان فرمانده انتخاب کنند.

سپاهیان اسلام از مدینه به راه افتادند و به «دومة الجندل» رسیدند و از آنجا به صوب شمال روی نهادند و در «معان» فرود آمدند و دو روز در آنجا ماندند. هر قل نیز همراه صد هزار تن از سربازان رومی به ضمیمه صد هزار سپاه از عربهای مستعربه همیمان خود در مؤب- یکی از نقاط سرزمین بلقاء اطراق کردند. وقتی این خیر به گوش سپاهیان اسلام رسید دو شب در معان درنگ نمودند تا درباره کار خود درست بیندیشند؛ سرانجام علی رغم قلت نفرات خودی و فزونی شمار دشمن بر نبرد با رومیان مصمم شدند و با آنها جنگ آغاز کردند. این جنگ همان گونه ادامه یافته بود که رسول اکرم-ص- پیش بینی فرمود، و زیدبن حارثه و جعفرین ابی طالب و عبدالله بن رواحه به همان ترتیب به شهادت رسیدند. خالد بن ولید پس از شهادت این سه تن به فرماندهی انتخاب شد.

عرصه ای که جنگ مؤته در آن روی داد هم اکنون به صورت ویرانه ای در آمده، و بنای یاد بود کهنی که از دیر باز پی نهاده شده بود و حصارها و طاقها به طور کلی فرو ریخته، و بنای جدیدی که نسبتاً با شکوه می باشد بر پا شده با کتیبه ای که وقعه مؤته به طور فشرده بر روی آن نقش و نگارش شده است. میان این عرصه و مزار چند تن از شهداء فاصله ای نسبتاً زیاد وجود دارد و این نشان می دهد که شهدا را از عرصه نبرد به محلی جای جا کردند که «مزار» نام دارد و در دو کیلومتری شهر مؤته واقع است. در شهر مزار بارگاههای سه تن از فرماندهانی که رسول اکرم-ص- شهادت آنان را قبلاً پیش بینی فرموده بودند، یعنی جعفرین ابی طالب و زیدبن حارثه و عبدالله بن رواحه، وجود دارد که مردم به زیارت آنها می روند. این بارگاهها با گنبدهای کوچک و بنایی ساده از دور جلب نظر می کنند. ضمناً در محوطه عرصه جنگ مقام حارث بن عمیر فرستاده رسول اکرم-ص- وجود دارد که زیارتگاهی دیگر برای مردم است. اما مدفن سایر شهدای جنگ مؤته معلوم نیست. پس از دیدار آنها و شرکت در نماز جماعت ظهر در یکی از مساجد آن و نیز بازدید موزه کوچکی که آثاری از قرون پیشین اسلامی در آنجا وجود داشت به عمان بازگشتیم.

* ملاقات با رئیس و اساتیدی از دانشگاه یرموک:

از هیات دفتر مقام معظم رهبری به همت جناب آقای نراقیان،

تنها راه رهایی امت اسلامی از ذل و فقر و کم توانی همان راهی است که انقلاب اسلامی ایران فرا راه همه امتهای اسلامی گشوده است. همگامی امم اسلامی در این راه می تواند مسلمین را از این حالت اسفبار رهایی بخشد.

* سمینار حقوق در اسلام

توقف در عمان به خاطر سمیناری بود که در بیستم و بیست و یکم محرم ۱۴۱۳، سی ام و سی و یکم تیرماه ۱۳۷۱، دائر شده بود. شرکت کنندگان در این سمینار عبارت بودند از شش تن ایرانی که پنج تن از آنها از ایران و یک تن از انگلستان آمده بودند. و نیز یک تن از یمن که نائب مفتی آن دیار بود و سه تن از امان (مسقط) که یکی از آنها آقای شیخ احمد بن حمد خلیلی مفتی امان بوده است که از اعضای مجمع التقریب نیز می باشند، و یک تن از سنگال به نام دکتر عبدالله دینو که قبلاً سفیر سنگال در اردن بوده و هم اکنون به عنوان عضو المجمع الملکی لبحوث الحضارة الإسلامية مؤسسه آل البیت در عمان اقامت دارد، و دکتر ذرینی از سوریه که او نیز مقیم اردن می باشد، و بالاخره تسی چند از علما و رجال خود اردن که مجموعاً به بیست و اندی تن بالغ می شدند.

در این سمینار که از سوی مجمع یاد شده و به مدیریت دکتر ناصرالدین اسد، وزیر فرهنگ سابق و رئیس کنونی مؤسسه آل البیت اردن، دائر شده بود در تمام جلسات آن، بجز یک نیم روز، امیر حسن ولیعهد اردن حضور به هم می رساند.

سمینار مذکور در روز اول، کار خود را با سخنان کوتاه دکتر ناصرالدین اسد آغاز کرد.

اولین سخنران آقای شیخ احمد بن حمد خلیلی، مفتی امان (مسقط)، بود که مقاله ای حدود پنجاه و پنج صفحه ارائه کرد و آن را طی نیم ساعت پس از حذف مواضعی فراوان القا و قرائت نمود. مقاله ای نسبتاً پخته و منسجم که تعقیبات و مناقشاتی را از سوی شرکت کنندگان در پی داشت و آقای خلیلی به جای آنکه در مقام جواب برآید متواضعانه پذیرای آنها شده و بدانها تن در داد؛ به گونه ای که این تواضع شگفتی آفرید.

- سخنرانهای دیگر توسط شیخ عزالدین خطیب تیممی وزیر اوقاف و شؤون دینی اردن، و دکتر سید فاضل حسینی میلانی که از لندن آمده بود، و شیخ حمود عباس مؤید نائب مفتی یمن، و حجت الاسلام واعظ زاده خراسانی و دکتر عبدالسلام عبادی ایراد شده بود که همه آنها با ملاحظات و مناقشات حاضران تعدیل و یا

وحدت مسلمین ایراد کرد که مورد توجه اساتید و دانشجویان منصف قرار گرفت. هر چند که شماری اندک از دانشجویان انتقادهایی واهی و بی اساس - که ریشه در بی خبری و یا غرض آلودگی داشت - بر زبان راندند؛ اما پاسخهای صحیح و متین جناب آقای واعظ زاده در حد مطلوبی آنان را آماده پذیرش حق کرد؛ بویژه که در پی پاسخهای آقای واعظ زاده، جناب آقای دکتر آذرشب با بیانی رسا، انصاف و وجدان حاضران را به داوری درباره انقلاب اسلامی ایران دعوت کرد و با طرح این مساله که باید اوضاع پیش از انقلاب ایران را با اوضاع پس از آن از لحاظ دعوت اسلامی سنجید اذهان مستمعان را به حقانیت جمهوری اسلامی ایران تا حد قابل توجهی نزدیک ساخت.

به نظر بنده خطابه پر محتوای حجت الاسلام والمسلمین آقای واعظ زاده برای ارائه حقانیت جمهوری اسلامی ایران و ایده های امام راحل - قدس سره - و آرمان و اندیشه های والای مقام معظم رهبری در چنان محیط فرهنگی بسیار مؤثر و سازنده بود و در فضای دانشگاهی، مبلغانی برای نشر اهداف انقلاب اسلامی ایران بارور خواهد ساخت.

آخرین نکته قابل ذکر این است که اطلاعات دینی رئیس دانشکده هنرهای زیبا - که حتی بسیاری از مضامین آیات قرآنی را به خاطر داشت - آن چنان بود که رئیس دانشگاه یرموک می گفت اگر چه ایشان رئیس دانشکده هنرهای زیبا است، ولی باید او را نیمه شیخ و نیمه ملای دینی بر شمرد.

نامبرده که به هنگام سخنرانی آقای واعظ زاده به عنوان گرداننده جلسه در کنار ایشان نشسته بود در احترام به آقای واعظ زاده و دفاع از مضامین و اهداف سخنرانی ایشان مخلصانه و بی دریغ سنگ تمام می گذاشت.

* ملاقات با رئیس مجلس شورای اردن:

یکی از روزها آقای عربیات، رئیس شورای اردن، را در دفترش دیدار کردیم. ایشان که احترام فراوانی را نسبت به هیأت دفتر مقام معظم رهبری مبذول می داشت از مشاکل و مصائب امت اسلامی شکوه داشت و می گفت باید درباره «اقتصاد اسلامی» به طور گسترده و عمیق مطالعاتی جدی صورت گیرد، و با توجه به پیچیدگیهایی که در طرز زندگانی جهان امروز وجود دارد باید نظام اسلامی را با آن هماهنگ ساخت. جناب آقای واعظ زاده راجع به تقریب مذاهب اسلامی سخن به میان آورده و آن را به عنوان یکی از راه حل های مشکلات خاطر نشان ساخت. سرانجام بنده یادآور شدم:

تصحیح می‌شد.

صنعا را - که حاوی نسخه‌های خطی هستند شناسایی کنیم.

مقاله آقای واعظ زاده و سخنرانی ایشان از لحاظ محتوای عمیق علمی آن از سوی همه شرکت کنندگان، به استثنای یک تن سخت مورد تمجید و تقدیر قرار گرفت.

* اقامه نماز جماعت در الجامع الکبیر

به عزم شناسایی و اطلاع از این کتابخانه‌ها و بویژه کتابخانه الجامع الکبیر که قبلاً اطلاعاتی راجع به آن کسب کرده بودیم، به سوی مسجد معروف به الجامع الکبیر شتافتیم و شب جمعه ۷۱/۵/۲ نماز مغرب را در این مسجد به جماعت و امامت احمد عبدالرزاق رقیحی خواندیم. پس از اقامه نماز با آقای رقیحی، که خود از نویسندگان و مؤلفان فهرست نسخه‌های خطی مکتبه الاوقاف بالجامع الکبیر است، برای مراجعه به این کتابخانه و کتابخانه‌های دیگر و تسهیل در کارها برای شناسایی نسخه‌های نفیس مذاکره نمودیم، قول مساعد داد که در این زمینه ما با همراهی کند.

پس از اقامه نماز شماری از مردم که از لباس روحانی‌ام تشخیص دادند که ایرانی و شیعی هستم، مرا احاطه کرده و هر چه بیشتر خود را نزدیک نموده و مصافحه می‌کردند و با احساساتی لطیف و معصومانه اظهار می‌داشتند ما با شما در حبّ و ولاء اهل‌البیت - علیهم‌السلام - دارای پیوند و اشتراک هستیم.

با آقای رقیحی قرار گذاشتیم شبی دیگر با هم از کتابخانه دیداری داشته باشیم و چون روز جمعه را در پیش داشتیم و کتابخانه تعطیل بود شبی دیگر همراه ایشان وارد کتابخانه الجامع الکبیر شدیم و فقط همین قدر فرصت داشتیم که مصاحف و کتابهای نفیسی را که در ویتربنها به نمایش گذاشته بودند دیدار کنیم. ویتربنها در وسط مخزن کتابخانه و در طول آن که بسیار زیاد بود امتداد داشت و همگی سرشار از نسخه‌های کهن و نفیسی بود که شماری از آنها در دنیا بی نظیر می‌باشند، و با توجه به حفاظتی که از ویتربنها پرداختند از دستبرد مصون هستند.

* مصحف منسوب به امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در کتابخانه الجامع الکبیر در سال ۱۴۰۵ هـ. ق که تشریف و زیارت خانه خدا برای سومین بار نصیب گشته بود توسط آقای دکتر آذرشب روزنامه‌ای به نام المسلمون در اختیارم قرار گرفت که در صفحه چهارم آن تصویر دو صفحه از نسخه خطی مصحفی را منعکس ساختند که در یمن به دست آمده بود. ذیل تصویر نوشته بودند: این همان مصحف نادری است که علی بن ابی طالب به خط خود نگاشت. در این روزنامه اطلاعات مربوط به این مصحف را چنین گزارش کردند: «مصحف نادری که در یمن یافتند و معلوم شد که دستنوشته علی بن ابی طالب - کرم‌الله وجهه - می‌باشد. ضمیمه کتب

* حرکت به سوی صنعا یمن

دقایقی پس از یازده شب پنجشنبه ۷۱/۵/۱ با آقای واعظ زاده، که عازم بازگشت به سوریه بود، خداحافظی کردیم و عازم صنعا یمن شدیم. حدود ساعت سه و نیم پس از نیمه شب به فرودگاه صنعا رسیدیم و برای تحویل بار مدتی طولانی در فرودگاه بسر بردیم. فرودگاهی تاریک و کثیف که آلودگی و بی‌نظمی در جای جای آن انسان را متأثر می‌کرد، و فقر فرهنگی و اقتصادی جامعه یمن را برای بیننده بازگو می‌ساخت.

آقای ناصری، مسؤول فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در یمن، که بعدها از مساعدت و همراهی بی‌دریغشان در یمن برخوردار بودیم، با راننده‌ای در آن وقت از ساعات شب در انتظار ما بودند و جایی را برای استراحت و اقامت ما در هتل حده در نظر گرفته بودند، و چون دیدیم کرایه هتل نسبتاً گران است از سفیر محترم ایران در یمن خواستیم جای دیگری که از هر نظر مناسب باشد برای ما در نظر گیرند. لذا حتی کمتر از نیم روز در هتل توقف کردیم و آنجا را به سوی منزل جناب آقای فیرورنیا ترک گفتیم، و در طبقه زیرین این منزل تا وقتی که در یمن اقامت داشتیم بسر بردیم که هم مناسب می‌نمود و هم هزینه کدایی را در بر نداشت.

* نمایشگاه آثار خطاطان معاصر در صنعا

برای اولین بار به همت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران و همکاری سفارت جمهوری اسلامی ایران در یمن در کنار یکی از کتابخانه‌های عمومی صنعا نمایشگاهی از آثار خطاطان معاصر ایران دایر شد که آقای فراهانی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران اداره این نمایشگاه را به عهده داشت، و استقبالی که از این نمایشگاه توسط جوانان یمنی به عمل آمده بود جالب به نظر می‌رسید، و چون خط و خطاطی از پیشرفت مطلوبی در یمن برخوردار نیست، آثار مذکور برای آنها بسیار مطبوع بود و هجوم جوانان یمنی پیرامون جوان ایرانی که قلم‌نی برای آنان می‌تراشید و خط نستعلیق را به آنها می‌آموخت قابل توجه بود. روز پنجشنبه پس از دیداری کوتاه از این نمایشگاه، در صدد برآمدیم کتابخانه‌های مهم

مصحف در آمد که ضمن آنها یک مصحف اموی و مصاحف دیگری به قلم شامی و حجازی وجود دارد که از طریق مبادلات حجاج در موسم حج وارد صنعاء شد. مسؤول کتابخانه، که حدود شصت و چهار سال از عمرش می‌گذرد، مصحف منسوب به امیرالمؤمنین علی-ع را کهنترین نسخه خطی کتابخانه الجامع الکبیر معرفی کرده و می‌گویند این مصحف را علی-ع و دو تن از صحابه یکی به نام زیدبن ثابت، و دیگری که نامش خوانا نیست نگاشته‌اند.

به هر صورت در سال ۱۳۶۴ هـ. ش که در موسم حج در مکه و یا مدینه بسر می‌بردم آرزو می‌کردم وسیله‌ای فراهم گردد تا این مصحف را از نزدیک ببینم و سرانجام این آرزو در سال ۱۳۷۱، شب شنبه سوم مرداد بر آورده شد، و این مصحف را از نزدیک رؤیت کردم و این رؤیت همراه با آقای رقیحی، امام مسجد الجامع الکبیر، دست داد. در کنار این مصحف که میان ویتترین قرار داشت مدتی درنگ کردم و با مشاهداتی که از نسخه‌های کهن قرآنی در کتابخانه‌های مختلف چند کشور شرقی و غربی داشتم و تجربیاتی را که در این زمینه کسب کرده به نظرم رسید نباید این مصحف از نوشته‌های نیمه نخست سده اول هجری، یعنی به خط امیرالمؤمنین علی-ع و یا زیدبن ثابت و یا صحابی دیگر باشد. البته مصحفی کهن و بسیار قدیم و نفیس می‌باشد که اگر چه کامل نیست؛ ولی معظم آیات و سوره قرآن کریم را دارا است و نظیر آن در مصر وجود دارد و احتمالاً هر دو مربوط به قرن دوم هجری است و مصحف موجود در مصر نیز مانند همین مصحف از هر گونه مشخصات املایی مجرد و عاری است.

اینجانب در کتاب پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ضمن تصویرهای ۴۴ تا ۵۹، عکس و تصویر نمونه‌هایی از مصاحف مربوط به سده دوم هجری را ارائه کرده‌ام که تصویر صفحه‌ای از مصحف موجود در خانه هنر قاهره است.

در سال ۱۳۵۴ برای دیدار از مصاحفی که از کشورهای مختلف در موزه بریتانیا به معرض نمایش گذاشتند به انگلستان سفر کردم و دو روز به بررسی مصاحف کهنی پرداختم که به قرن دوم تا دهم هجری مربوط می‌شد. در میان این نسخه‌ها که برای نمایش از کشورهای مختلف به عاریت گرفته بودند تا در جشنواره جهان اسلام در لندن آنها را در معرض دید قرار دهند-برگی از مصحفی را که آیتانی از سوره نور در پشت و روی آن نوشته شده بود رؤیت کردم که با خط مایل کوفی تحریر شده و از کهنترین مصاحفی به شما می‌رفت که در این موزه آنها را در معرض نمایش قرار دادند. در سفر مطالعاتی دیگری

کتابخانه الجامع الکبیر در صنعاء شد. مصحف نادر و نفیسی به خط امام علی [علیه السلام] و با مرکب سیاه بر روی پوست نگارش شده، در عصری که معمولاً مصاحف را بر روی پوست حیوانات می‌نوشتند و با خط کهن عربی [یعنی کوفی قدیم] می‌نگاشتند. این مصحف به همین خط است و از نقطه و اعراب که حرکات حروف را تبیین می‌کند و نیز از علائم و نشانه‌هایی که در پایان آیات رسم می‌گردد مجرد است. یعنی هیچیک از این مشخصات املایی در آن دیده نمی‌شود، زیرا این مصحف قبل از ابتکار و رواج این گونه مشخصات املایی در پیدایش تزیین مصاحف تحریر شده است، تزیینی که برای نشان دادن پایان آیات و آغاز سورها معمول می‌باشد. آنگاه در این روزنامه راجع به سرنوشت این مصحف نوشته‌اند:

«رسیدن این مصحف به صنعاء به دوران خلافت امام علی بن ابی طالب [علیه السلام] همزمان با ولایت و فرمانداری عبدالله بن عباس بر یمن بر می‌گردد.

کتابخانه الجامع الکبیر در صنعاء حاوی نسخه‌هایی خطی از قرآن کریم می‌باشد که تاریخ تحریر شماری از آنها به میان سالهای اول و چهارم هجری و سالهای پس از آن تا عصر حکومت امویها بر می‌گردد.

با شیوه‌های متنوع خطوط و تزیینات مختلف نگارش شده، به گونه‌ای که این نسخه‌های نادر و نفیس صورت زنده و کاملی از کهنترین خطوط عربی و تطور و تنوع آشکال و فرمهای نگارش را برای ما ترسیم می‌کند.

در سال ۱۹۷۱ م به طور تصادفی در الجامع الکبیر اکتشاف مهمی صورت پذیرفت و چهل هزار برگ نوشته‌های خطی از قرآن کریم به دست آمد. این اکتشاف زمانی به دست داد که وزارت اوقاف یمن در صدد تجدید بنا و بازسازی جناح غربی الجامع الکبیر بر آمد. این قسمت از مسجد از سنگ و گل و کج بنا شده و دارای سقفی از چوب بود. هنگام ویران کردن آن توده‌هایی از اوراق مصاحف کهن، که میان سقف چوبین و گل و خاکی که بر روی آن انباشته شده بود، پراکنده و کارگران این جناح مسجد به این اوراق هیچ اهمیتی نمی‌دادند و ضمن باقیمانده‌های آوار آنها را همراه زباله‌ها به این سو و آنسو می‌انداختند. در نتیجه این میراث باستانی و فرهنگی در معرض آسیب و نابودی قرار داشت تا آنکه مسؤولین الجامع الکبیر در همان سال جلوی این ضایعه بزرگ را گرفتند و به منظور فحص و تتبع و اطلاع از ارزش باستانی این اوراق به جمع‌آوری و تنظیم آنها همت گماردند و این اوراق پراکنده به صورت دویست و پنجاه

بر امام حسین [علیه السلام] برای او استغفار کنید». آنگاه از همبستگیها و وجوه اشتراکی که میان زیدیه و امامیه وجود دارد سخن گفته و از کتابی به نام روضة المشتاک فیما بین الزیدیه و الإمامیه من الاشتراک یاد کرد.

* ملاقات با ابراهیم وزیر

ساعت ده و نیم صبح روز شنبه ۳/۵/۷۱ با آقای ابراهیم بن محمد وزیر، از علما و نویسندگان زیدیه و مدیر روزنامه البلاغ، دیداری نسبتاً دراز مدت داشتیم که تا ظهر ادامه یافت. ابراهیم وزیر که جوانتر و شادابتر از سایر علما به نظر می رسید، می گفت: قبلاً با اخوان المسلمین همکاری داشته و چون ناپسامانیهایی در آن پدید آمد او و عبدالمجید زندانی (از علماء برجسته سنی یمن) از این حزب مستعفی شدند. او می گفت سعی حکومت و دولت بر آن است که زیدیه را به خمبول و انزوا سوق دهد تا مسأله امامت تقویت نشود و دردسری برای حکومت پدید نیاید؛ چون حکومت نگران آن است که چنانچه زیدیه سر بلند کنند قدرت را از دست دولتمردان بر بایند. می گفت: بدین منظور که زیدیه دچار ضعف و انزوا نگردد باید از تأیید و تقویت حکومت و دولت برخوردار باشد. برای رسیدن به این هدف ضرورت دارد به اجتهاد روی آورند و تحولی در اجتهاد به هم رسانند و در میان شرایط ده گانه برای امامت زیدیه، شرط هاشمی بودن امام را از رهگذر اجتهاد و به مدد ادله حذف کنند؛ زیرا این شرط موجب نگرانی مسؤولان دولتی است که مبدا اوضاع پریشان گذشته تجدید شود و حکومت را از دست مسؤولین فعلی بر بایند؛ چون آنانکه فعلاً در رأس حکومت قرار دارند هاشمی نیستند. راجع به جمود زیدیه و طرز تفکر بسته آنها شکوه زیادی داشت، از آن جمله از گذشته شواهدی ذکر می کرد که امام یحیی (المتوکل علی الله) مانند سعودیها که عنوان «المملکه العربیه السعودیه» بر عربستان و سرزمین مسلمین نهادند. او نیز عنوان «المملکه المتوکلیه الیمینیه» را برای یمن انتخاب کرد که حاکی از تقلید کورکورانه پاره ای از زیدیه و آزاد فکر نکردن آنها است.

همین جمود فکری باعث گشت زیدیه در یمن تضعیف شوند. می گفت: قبلاً امام جماعت مسجد شوکانی بود؛ لکن چون فردی فعال و لایق و کاردان بود از طرف عوامل سعودی و تأیید دولت برای اقامه جماعت در این مسجد مانعی ایجاد می کردند و در مسجد را به روی او می بستند و بالاخره ناگزیرش ساختند که این مسجد را ترك

که به سال ۱۳۶۸ به ایتالیا داشتیم در کتابخانه واتیکان از سرپرست آن سراغ ۷۴ برگ قرآن را گرفتیم که همگی آنها به خط کوفی بر روی پوست نگارش شده بود. ظاهراً چون اطلاع کافی در این زمینه نداشت گرفتار تردید بود، به قاطعیت گفتم این اوراق در این کتابخانه وجود دارد و همگی به خط کوفی و بر روی پوست تحریر شده و «جنورجیولیوی دیلاویدا» برای آنها فهرستی نوشته و این فهرست به چاپ رسیده است. رئیس کتابخانه، که خود اسقف و از دانشمندان و آشنا به چند زبان بود، همتی کرد و سرانجام این فهرست را بر ما آورده که در آنها تصویرهای اوراق قرآنها دیده می شد و بالاخره معذرت خواست و فهرست نسخه های خطی و نیز فهرست ۷۴ برگ قرآن موجود در کتابخانه واتیکان همراه با فهرست نسخه های خطی مذهبی این کتابخانه را به اینجانب اهدا کرد.

پس از مشاهده تصاویر اوراق قرآن در کتابخانه واتیکان و رؤیت اوراقی از قرآن در موزه بریتانیا و سرانجام مشاهده نمونه های فراوانی از مصاحف کهن در دو کتابخانه یمن، مکتبه الاوقاف بالجامع الکبیر (المکتبه الشرقيه) و المکتبه الغربیه به این نتیجه رسیدم که اوراق مصاحف موجود واتیکان و موزه بریتانیا و شاید مراکز دیگر، از یمن به سرقت رفته باشد؛ چرا که باقیمانده هایی از این مصاحف هم اکنون در یمن وجود دارد و پیداست که اوراق مختلفی از قرآن که در کتابخانه ها و موزه های غرب راه یافته اجزائی از مصاحفی است که در یمن و سایر ممالک اسلامی وجود دارد.

ضمن بازدید مصحف منسوب به امیر المؤمنین علی -ع- که در کتابخانه الجامع الکبیر نگاهداری می شود به آقای رفیعی گفتم بسیار بعید به نظر می رسد این مصحف از آن علی -ع- و زیدبن ثابت و صحابی دیگر باشد. ایشان نیز استنباط بنده را تأیید کردند.

در میان ویتزهای کتابخانه مذکور نسخه ای از الکتاب سیویه به خط کوفی بر روی پوست جلب نظر می کرد که از نفائس مخطوطات به شمار می رود.

* دیدار با احمد بن محمد شامی از علمای زیدیه یمن

ساعت ۹ شب شنبه ۲/۵/۷۱ این دانشمند را دیدار کردیم. او از جریاناتی که در یمن حاکم است شکوه می کرد و به خاطر نفوذ و تأییدها در حکومت و دولت و آموزش و پرورش یمن افسرده خاطر بود و می گفت: سعودیها از تبلیغات سوء علیه شیعه یمن هیچگونه دریغی را روا نمی دارند، و در یکی از کتابهایی که منتشر کرده اند هتاکتی نسبت به شیعه را به جایی رساندند که نوشته اند: «به جای گریه

گوید و در مسجد دیگری که شیخ عباس حمودالمؤید نائی مفتی صنعا در آن امامت می کرد به اقامه جماعت مشغول گردد.

با شناختی که از اردن با جناب مؤید به هم رساندیم فهمیدیم که ابراهیم وزیر به چه نکته ای اشاره دارد: وهابیه در یمن سخت فعال هستند و از نظر مالی پر توان می باشند. میان وهابیه و زیدیه هیچ گونه رابطه انس و آشتی را نمی توان جستجو کرد. تقویت زیدیه به تضعیف وهابیت در یمن بارور می شود. آقای ابراهیم وزیر یک عالم با نشاط و فعال و نستوه و نویسنده ای کارآمد، در مسجدی نامور و مورد توجه مردم می تواند خطری برای وهابیت باشد؛ لذا به تدریج عذر او را از این مسجد خواستند و فرد دیگری را که می شناختیم بسیار بسیط و ساده و بی حال و فاقد حزم و دوراندیشی است جانشین او در چنان مسجدی ساختند، مؤید را به عنوان امام مسجد شوکانی منصوب کردند. ابراهیم وزیر طوماری با امضاهای زیادی به ما نشان داد مبنی بر اینکه علماء و مردم درخواست کردند که او به مسجد شوکانی باز گردد که تاکنون این خواسته عملی نشد.

اشکال مطلب در این است که امامت مسجد و سائر شؤون دینی و مناصب مذهبی صدر صدر زیر نظر دولت و حکومت است و هیچ بعد مردمی در این مناصب جلب نظر نمی کند. و این جریان که محافل مذهبی و مناصب دینی را متکی به دولت و حکومت می سازد خطری است که جامعه آزاد اسلامی را در یمن و سایر ممالک تهدید می کند.

ابراهیم وزیر روزنامه ای را اداره می کند که البلاغ نام دارد. روزنامه ای نسبتاً وزین با مقالات علمی و فرهنگی و سیاسی که میان روزنامه هایی که دیدیم آبرومندتر و سنگین تر از بسیاری از آنها به نظر می رسید. یکی از بزرگترین و غنی ترین کتابفروشیهای صنعا به نام دارالحکمة توسط یکی از فرزندان او اداره می شود که ما دوبار از این کتابفروشی دیداری داشتیم.

ابراهیم وزیر از طرفداران سر سخت تقریب مذاهب اسلامی است و در این باره مقالاتی نیز در روزنامه «البلاغ» دارد که طی آنها کوشیده است تقریب میان مذاهب اسلامی را بسیار موجه و ضروری اعلام کند.

* ملاقات با رئیس حزب التجمع

حدود ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه ۷/۵/۷۱ وعده ملاقات با آقای آنسی، رئیس حزب التجمع الیمنی للإصلاح، داشتیم، پس از آنکه توسط دستیار ایشان از ما پذیرایی به عمل آمد ملاقات با نامبرده

سر رسید. البته ایشان بر خلاف رجالی که گزارش کوتاه دیدار آنها به عرض رسید و همگی شیعه زیدی هستند سنی می باشند.

با همه رجالی که از زیدیه ملاقات داشتیم خود و اطرافیانشان انقلاب اسلامی ایران و مقام معظم رهبری را تأیید می کردند. اگر چه آقای آنسی ضمن گفتگوهایش طعنی بر انقلاب اسلامی نداشت، اما یکی از دستیاران ایشان نمی خواست ما دست خالی برگردیم و نیش و نوهایی به هم می بافت.

آقای آنسی همانگونه که قبلاً شنیده بودیم، یادآور شده هفتصد معهد (مرکز و کانون آموزش و پرورش) و هشتصد مرکز تحفیظ قرآن را تأسیس کردند.

قبلاً درباره این معاهد اطلاع یافتیم که دولت یمن سالیانه یک میلیارد و سیصد میلیون ریال یمنی - که تقریباً هر ریال یمنی معادل با پنجاه ریال ایرانی است - بودجه صرف می کند و دولت عربستان مبلغی بیش از این مقدار به این معاهد که در اختیار اهل تسنن قرار دارد کمک می رساند.

در پایان جلسه یادآور شدم اختلافی که میان اهل سنت و شیعه به خصوصت و بغض آنها نسبت به یکدیگر در طول تاریخ منجر شده و می شود یا ناشی از تعصب است و یا از بی خبری ما نسبت به یکدیگر مایه می گیرد؟ چرا نباید از طریق تعارف به تالف برسیم، علاوه بر این عوامل که خودمان بدانها دامن می زنیم دشمنان اسلام را نباید نادیده بگیریم که آنها منافع خود را ایجاد تفرقه میان مسلمین می بینند و با تجمع و همبستگی مسلمین سخت مبارزه می کنند.

* نشستی کوتاه با رئیس دانشگاه صنعا

روز سه شنبه ۶/۵/۷۱ - که به کتابخانه را هم ندادند - حدود نیم ساعت با آقای دکتر عبدالعزیز مقلح رئیس دانشگاه صنعا نشستی داشتیم. در میان علما و رجال زیدیه فردی با وقارتر و متین تر و لطیف تر از او ندیدیم. وی اظهار می داشت پدرش در نجف درس می خواند و مذهب اثنی عشری را پذیرا گشت و بیست سال به خاطر مبارزاتش در زندان بسر برد و در ۱۹۷۷ م از دنیا رفت.

عبدالعزیز مقلح در قاهره تحصیل کرده و دو سال نزد دکتر یحیی الخشاب استاد کرسی زبان فارسی دانشگاه قاهره این زبان را می آموخت و اشعار عطار و رودکی را نزد او خواند و می گفت: عطار موقعیتی به سان منتبی دارد؟! ایشان اظهار می داشت زبان فارسی را می فهمد، لکن نمی تواند با این زبان تکلم کند.

دانشگاه صنعا پنجاه و پنجهزار دانشجو و هزار استاد دارد که

و با حوصله کافی راجع به این عقده در یمن بکاود همین دانشمندان پرکار و مخلص است. لذا به او گفتیم اطلاعات او درباره این عقده از چه منابعی سرچشمه می‌گیرد؟ اظهار داشت تاریخ بغداد خطیب بغدادی که در حدود صد مورد از این عقده به مناسباتی یاد کرده است؛ بنده منابع دیگری از فریقین را که یکدست راجع به این عقده گفتگو کرده‌اند به وی خاطر نشان ساختم؛ از آن جمله یادآور شدم که در میزان الاعتدال حدود دو صفحه در اختیار ترجمه احوال ابن عقده قرار دارد؛ ایشان این کتاب را آوردند و موضعی را که ترجمه احوال ابن عقده در این کتاب آمده بود به ایشان نشان دادم و نیز منابعی دیگر را یاد کردم و با پافشاری و اصرار فراوان از او که شیفته تحقیق و تتبع است خواستم از پی یافتن آثار ابن عقده و بویژه کتاب رجال او در میان نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌های عمومی و شخصی یمن به تفحص بپردازد، او قول داد پیگیری کند.

برای ما عجیب می‌نمود که می‌دیدم از لابلای دهها کتاب که در کتابخانه نسبتاً کوچک او همانند آجر بر روی هم انباشته بود کتابهای مورد نظر ما را بسرعت پیدا می‌کرده و بیرون می‌کشید.

شمار زیادی از کتابهای آقای حبشی به علت عدم گنجایش قفسه‌ها و کوچک بودن کتابخانه‌شان بر روی زمین روی هم چیده شده بود و از جهت پیدا کردن کتابها در لابلای این توده مترام کتاب هیچگونه احساس دشواری نمی‌شود.

بار دوم نیز سفارش کردیم در صورت برخورد با آثار ابن عقده از طریق سفارت جمهوری اسلامی ایران در یمن دفتر مقام معظم رهبری را در جریان قرار دهند. واقعاً محضر این عالم بزرگوار برای ما بسیار مغتنم می‌نمود، لذا با اینکه تصمیم نداشتیم زیاد درنگ کنیم خلوص و صفا و اطلاعات علمی او ما را بر آن داشت که مجالست با او را طولانی‌تر سازیم. می‌گفت: این کتابخانه من است به هر کتاب نیاز دارید بردارید با خود ببرید، و سرانجام پاره‌ای از کتابها را که حتی از آثار خود او نبوده با اصرار زیاد به ما اهداء کرد، از آن جمله تصویر دو کتاب یکی به نام *بلوغ الاطین فی الاذان علی خیر العمل* از سراج الدین بن عزالدین بن حسن عدلان که به سال ۱۴۱۲ق آن را به پایان برده است، و دیگر کتابی در شعائر و متفردات شیعه از همین مؤلف که آن را در ۱۴۰۹ق تألیف کرده است.



آقای عبدالعزیز مقالح اظهار امیدواری می‌کرد در سال آینده شمار دانشجویان به هفتاد هزار نفر بالغ گردد.

ایشان در یکی از اظهاراتشان حکومت عربستان را زیان‌آورتر از اسرائیل برای دنیای اسلام خاطر نشان کرده بود.

نامبرده یکی از روزها هیأت را به ناهار دعوت کرد که خود به علت گرفتاری نتوانست در آن شرکت کند و در نتیجه معاونان ایشان پذیرای ما در این میهمانی بودند.

* ملاقات با عبدالله محمد حبشی

دو شب برای اطلاع از فعالیتهای علمی آقای عبدالله محمد حبشی (یکی از مؤلفان فهرست مخطوطات مکتبه الجامع الکبیر و از نویسندگان پرکار و تلاش‌زیدیه یمن) به دیدارش رفتیم. این مرد عالم که جوانتر از سایر علمای زیدیه مقیم صنعاء است؛ لکن دارای آثار علمی بیشتری می‌باشد اظهار می‌داشت تاکنون بیش از سی کتاب تألیف و تحقیق و تصحیح کرده است.

سادگی و اخلاق و بی‌ریایی او کم‌نظیر است و بسیار مخلصانه و بی‌پیرایه با فعالیت خستگی‌ناپذیر سرگرم تحقیق و پژوهش است. و زندگانی ساده و فقیرانه و برخورد پاک و معصومانه این دانشمند پرکار همه ما را سخت تحت تأثیر قرار داد که همگی ما در درون خود ارادتی بی‌شائبه نسبت به او احساس می‌کردیم.

هر دو بار در کتابخانه خود، که ظاهراً تنها اتاق پذیرایی و عاری از تشریفات بود، از ما پذیرایی به عمل آورد، در آپارتمانی در طبقه چهارم بدون آسانسور و بسیار کوچک و در عین حال مخروبه که بر مراتب تأثر ما می‌افزود.

قبلاً ضمن دیداری که از علمای صنعاء داشتیم راجع به ابوالعباس احمدین محمد بن سعید معروف به ابن عقده و کتاب رجال و سائر آثار او سؤال می‌کردیم؛ لکن گویا هیچکدام از آنها زیدی نیستند و از این عالم زیدی جارودی کمترین اطلاع در اختیار ندارند. هر عالمی را که دیدار می‌کردیم اینجانب راجع به ابن عقده و آثارش می‌پرسیدم و بی‌اطلاعی علماء زیدیه چون عقده‌ای مرا می‌آزرد.

در دیدار نخست با آقای حبشی بمقدار زیادی از فرصت ما به بحث و گفتگو درباره این عقده مصروف گشت. ایشان اطلاع نسبتاً خوبی از احوال ابن عقده داشتند، ولی نسبت به آثار او اظهار بی‌اطلاعی می‌کردند و می‌گفت تاکنون از او اثری نیافتم. خوشبختانه احساس کردیم کسی که می‌تواند طی فرصتهای طولانی